

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فارسی در عربی

فارسی در عربی

تأثیر و نفوذ زبان و ادب فارسی در زبان و ادب عربی

دکتر محسن رائی

۱۳۹۶

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	نه
مقدمه.....	۱
فصل اول: روابط دیرینه ایرانیان و اعراب.....	۳
مرزبانان و سرداران ایرانی.....	۶
رفتار مرزبانان با قبایل عرب.....	۹
فصل دوم: آهنگ پارسی.....	۱۵
ترانه‌ای در بصره.....	۱۸
سروده در بلخ.....	۱۹
فصل سوم: پیوستگی‌های تاریخی ایران و حیره و یمن.....	۲۱
پیوستگی‌های تاریخی ایران و حیره.....	۲۱
پیوستگی‌های تاریخی ایران و یمن.....	۲۶
پیوستگی‌های تاریخی ایران و شام.....	۳۴
پیوستگی‌های تاریخی ایران و عراق.....	۳۶
نقل دیوان عراق از فارسی به عربی.....	۴۱
فصل چهارم: ادب و مفاهیم آن.....	۴۳
فصل پنجم: بلاغت فارسی، تعریف و تأثیر آن در بلاغت عربی.....	۴۷
عبدالحمید.....	۵۳
ابن مقفع.....	۵۵
دیوان دبیرد در دوره ساسانی.....	۵۸
دبیران چه چیزها می‌آموختند.....	۶۴
سراغ‌نامه‌ها و مهرکردن آن‌ها.....	۶۴

۶۷.....	فصل ششم: تأثیر قصص و داستان‌های فارسی در عربی.....
۶۷.....	داستان‌سرایی در ادب فارسی.....
۶۸.....	داستان شروین دشتی.....
۷۰.....	داستان‌های دوره ساسانی.....
۷۱.....	داستان هزار افسان.....
۷۲.....	سندبادنامه.....
۷۳.....	بلوهر و بوذاسف.....
۷۴.....	کلیله و دمنه.....
۷۵.....	طوطی‌نامه.....
۷۶.....	اسکندرنامه.....
۷۸.....	قهرمان‌نامه.....
۷۹.....	بختیارنامه.....
۸۰.....	لیلی و مجنون.....
۸۵.....	فصل هفتم: تأثیر جشن‌های ایرانی در زبان و ادبیات عربی.....
۹۵.....	جشن مهرگان، نوروز و سده.....
۹۶.....	رام‌روز.....
۹۷.....	فصل هشتم: خصیصه‌ها و ویژگی‌های شعر فارسی و تأثیر آن در شعر عربی.....
۹۷.....	ردیف.....
۹۹.....	انواع ادبی.....
۱۰۰.....	قالب‌های شعر.....
۱۰۵.....	وزن شعر (عروض).....
۱۱۱.....	فصل نهم: امثال فارسی و تأثیر آن در عربی.....
۱۲۳.....	فصل دهم: مضامین فارسی در شعر عربی.....
۱۳۱.....	فصل یازدهم: تأثیر اندرزنامه‌ها و پندنامه‌های ساسانی در عربی.....
۱۵۱.....	فصل دوازدهم: تأثیر موسیقی ایرانی در عربی.....
۱۶۵.....	نمونه‌ای از اصطلاحات موسیقی فارسی در عربی.....
۱۶۹.....	فصل سیزدهم: ترجمه شعر به شعر.....

۱۷۵.....	فصل چهاردهم: تصرفات ایرانیان در کلمات عربی.....
۱۸۵.....	فصل پانزدهم: ادبیات عرب.....
۱۸۸.....	ادبیات صدر اسلام و شعرای مخضرم.....
۱۸۹.....	ادبیات عرب در دوره اموی.....
۱۹۵.....	فصل شانزدهم: دژها و کاخ‌های ایرانی در اشعار عربی.....
۲۰۱.....	فصل هفدهم: سهم ایرانیان در لغت، ادب، فرهنگ عربی و اسلامی.....
۲۱۵.....	فصل هجدهم: بیت الحکمه و ایرانیان.....
۲۲۳.....	فصل نوزدهم: اسلام در ایران و اسلام ایرانی.....
۲۳۱.....	فصل بیستم: تداوم فرهنگ و هویت ایرانی.....
۲۳۷.....	فصل بیست و یکم: تازی‌گویان ایرانی ضد عرب.....
۲۶۵.....	فصل بیست و دوم: دگرگونی‌های کلمه‌های فارسی در زبان عربی.....
۲۷۵.....	فصل بیست و سوم: اشتقاق و صیغه‌سازی در زبان عربی.....
۲۷۵.....	اشتقاق اصغر.....
۲۷۶.....	اشتقاق اکبر.....
۲۷۶.....	نحت یا واژه‌آمیزی در زبان عربی.....
۲۷۷.....	اقسام واژه‌آمیزی در زبان.....
۲۷۹.....	فصل بیست و چهارم: کلمات فارسی در قرآن کریم و احادیث.....
۲۸۵.....	فصل بیست و پنجم: بعضی مشاغل و اصطلاحات دیوانی پارسی در عربی.....
۲۹۹.....	فصل بیست و ششم: تأثیر واژگانی و نفوذ کلمات فارسی در عربی.....
۴۳۱.....	منابع.....
۴۴۱.....	فهرست اعلام.....

خرد هرکجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید

پیشگفتار

با مطالعه و جست‌وجو در کتب و آثاری که طی تاریخ به زبان عربی تألیف شده است، از جمله دیوان‌های شعر شاعران جاهلی و مُخَضَّرَم و عصر اسلامی و همچنین آثار منشور و مکتوب در موضوعات و فنون گوناگون چون علوم طبیعی و ریاضی و نجوم و دیگر دانش‌ها، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این آثار سرشار از واژه‌ها و اصطلاحات و تعبیرات و مضامین و معانی فارسی‌اند که نویسندگان و مؤلفان این آثار عربی غالباً از ذکر مآخذ اصلی کلمات معرب یعنی اصل و اشتقاق و یا معنی یا متونی که آن واژه‌ها در آن‌ها به کار رفته است غفلت کرده‌اند.

درباره واژه‌های فارسی که در لغت‌نامه‌های عربی مانند *لسان‌العرب* آمده است یا همچون *فارسیات* اعی و ابونواس و لهفی، *موشحات* اندلسی یا اصطلاحات دیوانی و تشکیلات اداری فارسی که خود حکایت از نفوذ و رواج و تأثیر عمیق زبان فارسی در زبان عربی است، هریک نیازمند تحقیق مستقل و جداگانه است که در این مجال به نمونه‌هایی از آن اشاره شده و بحث تفصیلی در این زمینه مستلزم تحقیق و مطالعه در چندین کتاب است.

بسیاری از لغت‌شناسان نامی دوره عباسی مانند اصمعی و کسایی و سیبویه و معمر بن مثنی و خلیل بن احمد درید و دیگران به زبان عربی دلبستگی داشتند و می‌کوشیدند برای هر کلمه، حتی نام اشخاص و مکان‌ها، ریشه عربی جست‌وجو کنند و جایگاهی بسازند. باین حال، در موارد بسیار ناچار شدند به اصل فارسی برخی کلمه‌های معرب اعتراف کنند، اما هیچ‌یک کتابی مستقل در این زمینه تألیف نکرده‌اند جز سیبویه که در کتاب معروف و جامع خود به این موضوع به تفصیل پرداخته است.

نخستین کسی که در زمینه معربات کتاب مستقلی نوشته ابومنصور موهوب بن احمد بن محمد بن الخضر الاهوازی معروف به جوالیقی از دانشمندان قرن ششم هجری قمری است که کتاب خود، *المعرب من الکلام الاعجمی*، را در هفتصد لغت تألیف کرده است.

دومین کتاب نوشته شده در این زمینه *شفاء الغلیل* از شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین احمد بن خفاجی کوفی است که در قرن یازدهم هجری می‌زیسته است.

این کتاب مزیت و برتری زیادی بر کتاب جوالیقی ندارد جز اینکه برخی کلمه‌های رایج و غیرعلمی فارسی را که در دوره عباسی به زبان عربی درآمیخته است، بر آنچه جوالقی آورده افزوده؛ چنان که می‌توان گفت کتاب او ذیلی است بر کتاب جوالقی.

سومین کتاب مستقل در این زمینه *الالفاظ الفارسیه المعربیه* نام دارد که ادی شیر، رئیس اسقف‌های کلیساهای کلدانی، آن را تألیف کرده است. در مقدمه این کتاب، از فراوانی کلمه‌های فارسی در عربی اظهار شگفتی می‌کند و می‌افزاید که چرا زبان فارسی بیش از هر زبان دیگری در زبان عربی رخنه کرده است در صورتی که سریانیان و رومیان و قبطیان و حبشیان نیز در مجاورت اعراب می‌زیسته‌اند و با تیره‌ها و قبیله‌های عرب آمیزش داشته‌اند و هم از ریشه زبان‌های سامی بودند و با زبان‌های سریانی و عربی خویشاوندی و نزدیکی داشتند و پیوند واژه‌ها در زبان‌های هم‌ریشه به آسانی و سهولت انجام می‌گیرد، تا زبان‌هایی که از یک ریشه سرچشمه نگرفته‌اند. راز این مطلب که گویا از نظر ادی شیر پنهان مانده است، روابط چندهزارساله همسایگی تمدن ریشه‌دار و کهن ایرانی است. علاوه بر این، دو عامل یگانگی و پیوستگی دینی و اعتقادی میان ایران و اعراب که به واسطه فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی برقرار بوده در این کتاب به تفصیل بیان شده است.

کتاب ادی شیر از دو کتاب مذکور واژه‌های بیشتری دارد، اما در آن خطا و اشتباه و سهو بیشتری نیز در تشخیص شکل فارسی کلمه‌ها و ریشه آن‌ها به چشم می‌خورد. دانشمند بنام عرب، احمد تیمور پاشا مصری، در مقالاتی که در مجلات مجمع علمی دمشق به سال ۱۹۳۲ با نام *الالفاظ العباسیه* منتشر کرده، درباره برخی واژه‌های فارسی درآمیخته به زبان عربی نکته‌های سودمندی نگاشته است. نخستین ایراد اساسی که بر این آثار مترتب است ذکر نکردن مآخذ اصلی کلمه‌های معرب است، یعنی منابع و آثاری که کلمه‌ها در آن‌ها به کار رفته نادیده گرفته شده‌اند. ایراد دیگر به نویسندگان این آثار برمی‌گردد که فقط به ذکر معرب‌بودن و داشتن ریشه فارسی یک کلمه بسنده کرده‌اند، اما چون فارسی نمی‌دانستند به ریشه و اشتقاق آن در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های فارسی اشاره‌ای نکرده‌اند که اگر چنین کاستی‌هایی در این آثار نبود برای پژوهشگران در تاریخ زبان و زبان‌شناسان اهمیت بسیار داشت. از این گذشته، شمار اندکی از واژه‌های فارسی در این آثار آمده است.

برخی خاورشناسان اروپایی، که در زمینه زبان عربی پژوهش کرده‌اند، راجع به الفاظ فارسی که با این زبان درآمیخته است نیز مطالبی نوشته‌اند، مانند چیزهایی که در *المستدرک* دوزی، که ذیلی است بر فرهنگ‌های عربی، در این خصوص آمده است. چند سال پیش، کتابی در

نمایشگاه کتاب دیدم با عنوان *المعجم المفصل فی المعرب و الدخیل* تألیف سعدی ضناوی در بیروت که از این کتاب سودمند نیز بهره بردم.

در کتاب *کلمات بیگانه در قرآن* از پروفیسور آرتور جفری، نزدیک به یکصد و هشتاد کلمه فارسی از قرآن کریم استخراج شده است. این کتاب را مترجم دانشمند، دکتر بدره‌ای، به فارسی برگردانده‌اند. مترجم با استناد به تحقیقات تازه، در بسیاری جاها، کار جفری را تکمیل کرده و سرانجام ترجمه‌ای برازنده و معتبر به دست داده است.

از عالمان متأخر و ادبا و محققان معاصر زبان و ادب فارسی نیز آثار مهم و مفیدی در این زمینه تألیف شده و در دسترس طالبان و جویندگان فضل و ادب قرار گرفته است:

۱. فرهنگ *واژه‌های فارسی در زبان عربی*، از محمدعلی امام شوشتری که مشتمل است بر مجموعه‌ای عظیمی از کلمه‌های فارسی به کاررفته در دوره‌های گوناگون نظم و نثر عربی و کاری است بسیار دلپذیر و مفید، که سعی ایشان مشکور است.

۲. کوشش‌های علمی و تحقیقات عالمانه دکتر آذرتاش آذرنوش به‌ویژه در دو اثر *تحسین‌برانگیز و ارزشمند راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی و چالش میان فارسی و عربی* که در بردارنده اطلاعات دقیق و آگاهی‌های عمیق در باب ادبیات تطبیقی و مسائل مشترک زبان و ادبیات فارسی و عربی است.

۳. مقالات چند و مهم و ممتع از استاد مفضل دکتر مهدی محقق در زمینه تأثیر زبان و ادب فارسی در عربی فایده و اهمیت و اعتباری خاصی دارد و همچنین مجلات *ادبیات تطبیقی* دانشگاه شهید باهنر کرمان را در این زمینه بسیار سودمند و کاربردی یافتیم و از آن‌ها بهره بردم.

۴. در میان پژوهش‌های مربوط به معربات فارسی و سیر و تأثیر تاریخ و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات عربی، تحقیقات و تألیفات بدیع و مبتکرانه و پژوهش‌های محققانه شادروان دکتر محمد محمدی ملایری جلا و جلوه خاص دارد. دکتر محمدی از نادر محققان و کم‌نظیر دانشمندانی است که با تحقیق‌های علمی و کوشش‌های مستمر خستگی‌ناپذیر و بسیار مفید و اثربخش خود در *مجله الدراسات الادبیه* که با همت و درایت ایشان منتشر می‌شد و همچنین در آثار و تألیفات زیبا و غنی و عالمانه شش جلدی *تاریخ و فرهنگ ایران* حق بزرگ و دین سترگ را به علم و ادب و فرهنگ ایران ادا کرده و با ژرف‌نگری و واقع‌بینی و دقت و احتیاط تمام و ممارست و مهارت فراوان توفیق یافته است که دامنه تحقیق و تفحص در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام و پیوستگی‌های لغوی و فرهنگی و مسائل و موضوع‌های مشترک دو زبان فارسی و عربی و پیشینه تاریخی هر دو زبان و سابقه فرهنگ هر دو قوم را

با دقت نظر و دید انتقادی و وسعت و تبحر کافی و اطلاع و بصیرت کامل خود در هر دو زبان وسعت دهد و آن را رونق و غنا و اعتبار و استحکام بخشد. فضل تقدم و تقدم فضل از آن اوست و ما خوشه‌چین خرمن دانش او و توشه‌گیر زاد و نوال فضل و بینش او، از خداوند مَنان خواهانیم پاداش کار عظیم آن فرزانه فقید را در فردوس عدن مضاعف گرداند. در سال ۱۳۷۰ که دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران بودم از افادات استاد مرحوم محمدی بهره می‌بردم و از نوشته‌های نغز او استفاده می‌کردم، شوق مطالعه و تحقیق در این زمینه در وجود این شاگرد کم‌بضاعت و تلمیذ باارادت می‌افزود و این ضعیف را با همه قلّت مایه و نقصان سرمایه به کار جمع و تدوین این کتاب تحریض کرد و هرچند کوشید عیب‌ونقص آن را چنان‌که بایست نیارست کاست، استدارک ارشاد از دوستان فاضل و استادان بارع مورد تمناست و عفو و اغماض از خطا و لغزش موجب بسی منت‌ها.

اثر حاضر حاصل طرح پژوهشی با نام «تأثیر و نفوذ زبان و ادبیات فارسی در زبان و ادبیات عربی» است که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی به انجام رسیده است. درباره اهمیت این کتاب، چند سطری به اختصار از نظر خوانندگان و علاقه‌مندان این موضوع می‌گذرد. درباره نفوذ هریک از دو زبان و فرهنگ ایرانی و عربی در یکدیگر و تحولاتی که برائز آن در ادبیات هریک از دو زبان روی داده و پیوستگی‌های دیرینی که در دوران‌های گوناگون تاریخی این دو زبان و تأثیر متقابل هریک در دیگری بهترین و مؤثرترین راه، برای حصول تفاهم بین ملت‌ها، همین تحقیقات مشترک است. کتاب‌ها و تألیف‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد بخشی از آثاری است که گاهی به معرب‌بودن کلمه اشاره کرده، اما ریشه و اصل فارسی آن را نگفته است. در این کتاب به اصل و ریشه و اشتقاق مفردات اشاره شده و در آثار فارسی نیز، تأثیر لغوی زبان فارسی در زبان عربی به اختصار بیان شده است. افزون‌براین، ترجمه اشعار عربی به فارسی نیز، در این کتاب، برای فارسی‌زبانان و دانشجویان عرب علاقه‌مند به مطالعه و تحقیق در زبان فارسی سودمند است.

از انتشارات دانشگاه شهید بهشتی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر همت گماشت، به‌ویژه از سرکار خانم ونوس قدیمی، ویراستار کتاب، که با دقت و حوصله تمام در پیراستن و آراستن متن کوشش تحسین برانگیزی معمول داشت و از حروف‌نگار و صفحه‌آرای دقیق، سرکار خانم سمیرا دهقان بسیار سپاسگزارم.

محسن رانی

۱۳۹۶

مقدمه

از هنگامی که میان ایرانیان و اعراب پیش از اسلام روابطی به وجود آمد، ادبیات عربی و ادبیات فارسی به تدریج با هم ارتباط یافتند و این ارتباط با ظهور و گسترش اسلام رفته رفته به حدی پیشرفت کرد که می توان آن دو را دو شاخه از یک درخت یا دست کم دو اصل نزدیک به هم دانست که در آن ها صفات مشترک و مشابه بسیار است، و این از آن جهت است که هریک به اندازه ای از اندیشه ها و ویژگی ها و قالب های ادبی دیگری بهره گرفته است که اگر هرکس بخواهد هریک از این دو را با گونه های مختلف و متنوع آن ها به طور علمی و صحیح بداند و مراحل تحولات آن را از راه تتبعات تاریخی دنبال کند، ناچار است تاریخ ادبیات زبان دیگر را نیز بداند و از تحولات هر دو و تأثیری که هریک در عصرهای گوناگون در دیگری به جای گذارده و همچنین از خصایص ادبی هر دو زبان در دوره های تاریخی به خوبی آگاه باشد. این نخستین فریضه ادبی پژوهندگان ادب و تاریخ است که تاریخ هریک از آن دو زبان و موارد آمیزش و برخورد آن ها و مزایای هریک را به نیکی بدانند.

هر قدر دامنه این تحقیقات گسترش می یابد، بر رشته ها و شاخه های آن می افزاید و موضوع های تازه تری خودنمایی می کند که هنوز در هاله ای از ابهام و تیرگی قرار گرفته جز از راه چنین تحقیقات مشترک جلوه و جلایی نخواهد یافت چون طی تاریخ، از نظر اثربخشی و اثرپذیری ادبیات، این دو زبان مرتبط بوده اند و پیوند و گرایش و دادوستد لغوی و فکری با هم داشته اند؛ به ویژه در دورانی که هریک از دو زبان دارای ادبیاتی عالی و انسانی بودند.

اگر بخواهیم که درباره ادب و فرهنگ و تمدن خود در همه ابعاد و اشکال و با همه عناصر تشکیل دهنده آن مطالعه کنیم و عواملی را که در آن اثر گذارده و یا از آن اثر پذیرفته اند به خوبی بشناسیم، ناچار باید دامنه این تحقیقات مشترک را توسعه دهیم.

هر چه بیشتر در پژوهش های تاریخی و ادبی خویش پیش می رویم، بهتر درمی یابیم که فرهنگ های گذشته این دو زبان، که پایه و اساس فرهنگ کنونی آن ها را تشکیل می دهند، تا چه حد در یکدیگر مؤثر بوده و از یکدیگر کسب نیرو کرده اند، این امر موجب شگفتی نیست، زیرا همان گونه که تمدن و فرهنگ در سرزمین های غربی عالم اسلام در لباس زبان عربی جلوه گر شده در سرزمین های شرقی آن در کسوت زبان فارسی خودنمایی کرده است و

اینجاست که این دو زبان دو رکن اساسی تمدن و فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌روند و بدون وقوف بر این دو، درک کامل این تمدن و تاریخ آن میسر نیست.

برای کشف علل و عوامل پیوستگی این دو فرهنگ و تحولات سرچشمه‌گرفته از آن در دوره‌های گوناگون تاریخی، که پرشمار و فراوان‌اند، آگاهی و وقوف کامل به سابقه طولانی این دو جریان لازم و ضروری است؛ آن هم با دقت و احتیاط تمام و ممارست و تجربه‌های فراوان و با جست‌وجوی ژرف در محتوا و عناصر تشکیل‌دهنده دو فرهنگ، تا از هر لغزش و خطا در امان بود و به گفته شادروان دکتر محمدی: «هیچ چیز زیانمندتر از این نیست که در موضوعی بدین دقت با بی‌دقتی رفتار شود».

مطلب دیگری که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد بحث تفحص و تتبع درباره کلمات فارسی در عربی و گفت‌وگو درباره عواملی است که موجب ناشناخته‌ماندن گروهی از این کلمات و لغزش برخی از لغت‌نویسان در تشخیص اصل آن کلمات شده است و پرداختن به این مباحث فقط برای کسب معرفت بیشتر درباره سیر فرهنگ و تمدن ایران و قلمرو تاریخی زبان فارسی است؛ چیزی که به دانستن آن نیاز فراوان داریم و از آن بسیار غافل بوده‌ایم.

فصل اول: روابط دیرینه ایرانیان و اعراب

روابط تاریخی ایرانیان و اعراب از قرن ششم پیش از میلاد مسیح و از دوران هخامنشی آغاز می‌شود. هخامنشیان وارث آشوری‌ها و بابلی‌ها در این منطقه بودند و فرمانروایی عربستان را از آن‌ها به ارث بردند. داریوش اول عربستان را جزء ممالک خود می‌شمارد و مورخان قدیم یونان حضور دسته‌هایی از اعراب را در اردوی کوروش اول و دوم گزارش کرده‌اند. هرودت در شرح جنگ‌های ایران و مصر به حضور عرب‌ها در اردوی کمبوجیه و خشایارشا و پوشش و جنگ‌افزارهای آن اشاره کرده و همچنین شرحی از عهد و پیمان آن‌ها با کمبوجیه برای راهنمایی و گذراندن سپاه او از صحرا نوشته است. در دوران اشکانی نفوذ ایران در شرق عربستان بسیار گسترش یافت و تا مرزهای شرقی یمن پیش رفت. در دوران ساسانی، دولت ایران به شبه جزیره عربستان بیش از گذشته توجه می‌کرد، زیرا این سرزمین بیش‌ازپیش در محدوده رقابت‌های اقتصادی و سیاسی دو دولت ایران و روم قرار گرفته بود و ایران، گذشته از هدف‌های امنیتی و بازرگانی که در این منطقه داشت، ناچار بود که در برابر توطئه‌های روم و متحدان حبشه‌ای آن نیز به مقابله برخیزد که در سرزمین یمن هدف‌های جهانگیری داشتند و سعی می‌کردند برای ایران مزاحمت ایجاد کنند. حمله حبشیان به یمن به تحریک و با کمک رومی‌ها و تشکیل دولتی در آن از حبشی‌ها به سرپرستی رومیان فصلی بود از این رقابت؛ و حمله ایران به یمن از راه دریا بیرون‌راندن حبشی‌ها از آنجا و ضمیمه‌شدن یمن به قلمرو دولت ایران نیز فصل دیگری بود از همان رقابت که شرح آن در تاریخ‌ها کم‌وبیش آمده است.^۱

گذشته از داخل عربستان، ایران این دوره در سواحل شبه جزیره عربستان در خلیج فارس و در دریای عمان و نیز در اقیانوس هند تا عدن بندرگاه‌ها و پایگاه‌هایی داشته است که هم سیطره دریانوردی ایران را در این دریاها تأمین می‌کرده و هم امنیت بازرگانی راه‌هایی را که از

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به خطابه ششم از گفتارهای استاد فقید تقی‌زاده با عنوان «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل از آن» در دانشکده علوم معقول و منقول که در انتشارات آن دانشکده به چاپ رسیده است.